

سخنان نفرت‌زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر

عبدالمجید سودمندی^{۱*}، بهرام مستقیمی قمی^۲

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه پیام‌نور مرکز تهران، تهران، ایران

۲. استادیار گروه حقوق دانشگاه تهران، تهران، ایران

پذیرش: ۹۰/۶/۲۰

دریافت: ۸۹/۸/۹

چکیده

سخنان نفرت‌زا که می‌توان آن را به طور خلاصه به حمایت از بی‌زاری و نفرت مبتنی بر ملیت، نژاد یا مذهب تعریف کرد، موقعیتی استثنایی در حقوق بین‌الملل دارد و حتی نوع خاصی از این سخنان که منجر به تحریک نسل‌کشی می‌شود، در کنار جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، یکی از چند جرم بین‌المللی است.

بعضی از وقایع دهه‌های اخیر حاکی از این است که حرکت‌های نژادپرستانه که محرک اصلی آن سخنان نفرت‌زا است در دنیا و حتی اروپا که خود را پرچمدار حرکت حقوق بشر می‌داند، در حال گسترش است و این نشانگر اهمیت بحث درخصوص این سخنان است. این ضرورت باعث شده تا غیر از ممنوعیت‌های عامی که در اسناد حقوق بشری برای حق آزادی بیان در نظر گرفته شده، بعضی از اسناد به طور ویژه به ممنوعیت این سخنان اشاره کنند که از جمله می‌توان از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، و کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی نام برد.

البته اسناد بین‌المللی در تعریف این مفهوم دچار اختلاف شده‌اند. این اختلاف که به‌ویژه بین کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی از یک طرف و سایر اسناد بین‌المللی از طرف دیگر دیده می‌شود، اهمیت شناسایی این مفهوم را افزایش داده است.

کلید واژه‌ها: سخنان نفرت‌زا، تبعیض، دشمنی، خشونت، تحریک

۱. مقدمه

آنچه در نگاه اول جلب توجه می‌کند این است که اصطلاح «سخن نفرت‌زا»^۱ یا «بیان نفرت‌زا»^۲

Email: Soudmandi.jd@gmail.com

* نویسنده مسئول مقاله:

1. hate speech
2. hate expression



در اسناد بین‌المللی به‌صراحت نیامده است؛ هرچند مضمون این اصطلاح در بعضی از اسناد بین‌المللی همچون ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی [۱، ماده ۲۰] مورد اشاره قرار گرفته و بر این اساس، این اصطلاحات در بین حقوقدانان مرسوم است. به طور خلاصه، می‌توان سخنان نفرت‌زا را به حمایت از بیزاری و نفرت مبتنی بر ملیت، نژاد یا مذهب تعریف کرد. بنابراین، سخنان نفرت‌زا محدود به سخن و گفته نیست، بلکه بعضی از اعمال غیر زبانی نیز می‌تواند مشمول این مفهوم حقوقی باشد. مثلاً دیوان عالی آمریکا معتقد است یک ایالت می‌تواند سوزاندن عمدی صلیب را که «نماد نفرت»^۱ است و حالت ارباب‌آورد دارد جرم محسوب کند [۲، ص ۳۴۴].

هرچند مراجع قضایی بین‌المللی معتقدند حق آزادی بیان شامل نظرهای نامحبوب و اظهارات تکان‌دهنده، آزاردهنده یا پریشان‌کننده نیز می‌شود [۳، پ ۴۹]. تعدادی از معاهدات حقوق بشری و از جمله میثاق نه‌تنها به کشورها اجازه می‌دهند که سخنان نفرت‌زا را ممنوع سازند، بلکه آن‌ها را ملزم به این کار می‌کنند. به علاوه، یک نوع خاص از سخنان نفرت‌زا با عنوان «تحریک به نسل‌کشی»، در کنار جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، یکی از چند جرم معدود بین‌المللی است. برای اولین بار دیوان نورنبرگ در آرای خود تحریک به نسل‌کشی را جرم دانست [۴، ص ۱۳۹]. اما بعد از آن در بعضی از معاهدات بین‌المللی به این جرم اشاره شد که از جمله می‌توان به ماده ۳ کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌کشی [۵، ماده ۳] و ماده ۲۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی [۶، ماده ۲۵] اشاره کرد.

اهمیت بحث درخصوص سخنان نفرت‌زا از این جهت است که در دهه‌های اخیر، حرکت‌های نژادپرستانه که محرک اصلی آن سخنان نفرت‌زا است، در دنیا و حتی اروپا که خود را پرچمدار حرکت حقوق بشر می‌داند، در حال گسترش است. مثلاً در پایان کنفرانس سران اروپا در ماستریخت در دسامبر ۱۹۹۱، شورای وزیران جوامع اروپایی اعلامیه‌ای در محکومیت نژادپرستی و بیگانه‌هراسی صادر کرد با این عبارت که «تجلیات فاشیسم و بیگانه‌هراسی در اروپا به طور پیوسته در حال افزایش است» [۷، ص ۹].

در این نوشتار ابتدا به متن اسناد بین‌المللی مرتبط با سخنان نفرت‌زا اشاره شده است و در ادامه به تعریف و شناسایی عناصر تشکیل‌دهنده این سخنان پرداخته‌ایم.

1. symbol of hate

۲. قواعد بین‌المللی مرتبط با سخنان نفرت‌زا

اگرچه اهداف قابل قبول جهت محدودکردن آزادی بیان در اسناد بین‌المللی آمده است^۱ و بنابراین، برشمردن مصادیق این اهداف ضرورت ندارد، اما بعضی از موارد نقض حقوق یا اخلاقیات به وسیله بیان، دارای چنان اهمیتی است که در «میثاق» یا اسناد منطقه‌ای حقوق بشر به آن‌ها اشاره شده یا موضوع اعلامیه‌ها و اسناد مستقل قرار گرفته‌اند که از جمله می‌توان به تبلیغ برای جنگ، سخنان نفرت‌زا، افترا، تجاوز به حریم خصوصی و کفرگویی اشاره کرد. در ذیل به بررسی اسنادی می‌پردازیم که مبنای حقوقی محدودیت سخنان نفرت‌زا هستند.

۲-۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر^۲

ماده ۷ این اعلامیه بیان می‌کند: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به طور مساوی از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید به تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند» [۸، ماده ۷].

هرچند این ماده اشاره مستقیمی به سخنان نفرت‌زا ندارد، اما آن‌گونه که از تعریف این سخنان برمی‌آید^۳، یکی از دلایل ممنوعیت این سخنان، ایجاد تبعیض بین انسان‌ها است و به همین دلیل می‌توان گفت چنین سخنانی با ماده ۷ اعلامیه جهانی همخوانی ندارد. حقوقدانان نیز با استناد به همین تحلیل، ماده ۷ اعلامیه جهانی را در کنار سایر اسناد بین‌المللی منع‌کننده سخنان نفرت‌زا دانسته‌اند [۹، ص ۵-۶]. مثلاً سه تن از اعضای کمیته حقوق بشر بیان داشته‌اند: «هر کس حق دارد نه تنها از تبعیض مبتنی بر نژاد، دین یا منشأ ملی، بلکه از تحریک به چنین تبعیضی نیز آزاد باشد. این موضوع به صراحت در ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده است» [۱۰، پیوست، پ ۴].

۱. طبق ماده ۱۹ میثاق، این اهداف عبارتند از: «حقوق و حیثیت دیگران»، «امنیت ملی»، «نظم عمومی»، «سلامت عمومی» و «اخلاق عمومی».

۲. در ادامه این نوشتار به اختصار با عنوان «اعلامیه جهانی» آمده است.

۳. برای آشنایی با تعریف کامل این مفهوم و عناصر آن رجوع کنید به: بند ۳.



۲-۲. میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی

بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بیان می‌کند: «هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفیر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع است» [۱، ماده ۲۰].

بند ۱ ماده ۵ «میثاق» نیز که می‌گوید: «هیچ‌یک از مقررات این میثاق نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی گردد که به استناد آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته‌شده در این میثاق و یا محدود کردن آن بیش از آنچه در این میثاق پیش‌بینی شده است مبادرت به فعالیتی بکند و یا اقدامی به عمل آورد» [۱، ماده ۵]. در بعضی موارد دلیلی برای جلوگیری از سخنان یا اعمال نفرت‌زا مورد استناد قرار گرفته است [۱۱، پ ۱۳-۳].

۳-۲. کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی

ماده ۴ این کنوانسیون بیان می‌کند: «دول متعاقد هر نوع تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد و یا گروهی از اشخاص با رنگ یا منشأ قومی معین الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه یا تشویق کند، تقبیح می‌کنند و متعهد می‌شوند که به منظور ریشه‌کن ساختن این چنین تحریک‌ها یا تبعیض‌هایی و به طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ کنند و در این راه، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده پنجم این کنوانسیون تصریح شده است مورد توجه قرار دهند.

دول متعاقد مخصوصاً متعهد می‌شوند که:

الف) نشر هر نوع فکر مبتنی بر تفوق یا نفرت نژادی و تحریک به تبعیض نژادی و همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد و یا هر گروه که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشد و نیز بذل هر نوع مساعدت از جمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام کنند.

ب) سازمان‌ها و فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل و هر قسم فعالیت تبلیغاتی دیگر را که محرک تبعیض نژادی باشد و یا آن را تشویق کند و عضویت در چنین سازمان‌های را قانوناً از جرائم قابل مجازات اعلام دارند.

ج) به مقامات مسؤول یا مؤسسات عمومی اعم از مملکتی ویا محلی اجازه ندهند تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق کنند» [۱۲، ماده ۴].

از بین تمام اسناد حقوق بشری، این ماده کامل‌ترین ماده‌ای است که به تعریف سخنان نفرت‌زا پرداخته است؛ هرچند همان‌طور که خواهیم دید، این مفهوم را بسیار گسترش داده، به طوری که به‌شدت مورد مخالفت حقوقدانان قرار گرفته و باعث شده تعداد زیادی از کشورهایی که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، به این ماده شرط وارد کنند.^۱

۲-۴. کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۲

بند ۵ ماده ۱۳ این کنوانسیون می‌گوید: «هرگونه تبلیغ جنگ یا حمایت از تنفر ملی، نژادی، یا دینی که تحریکی است به خشونت‌های غیرقانونی یا هر عمل مشابه دیگر بر ضد هر فرد یا گروهی از افراد به هر دلیل از جمله نژاد، رنگ، دین، زبان، یا منشأ ملی، تخلفی است که به موجب قانون قابل مجازات محسوب می‌شود» [۱۳، ماده ۱۳].

از میان اسناد منطقه‌ای حقوق بشر فقط کنوانسیون آمریکایی به‌صراحت به ممنوعیت سخنان نفرت‌زا اشاره کرده است. البته همان‌طور که حقوقدانان ابراز داشته‌اند می‌توان موادی از کنوانسیون اروپایی و منشور آفریقایی را که در زیر به آن‌ها اشاره شده متضمن این ممنوعیت دانست.

۲-۵. کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی^۳

ماده ۱۷ این کنوانسیون بیان می‌کند: «هیچ‌یک از مقررات این کنوانسیون نباید به نحوی تفسیر شود که متضمن ایجاد حقی برای دولتی یا گروهی یا فردی شود که با استناد به آن به منظور تضییع هر یک از حقوق و آزادی‌های شناخته‌شده در این کنوانسیون ویا محدود کردن آن، بیش از آنچه در این کنوانسیون پیش‌بینی شده، مبادرت به فعالیتی کند ویا اقدامی به عمل آورد» [۱۴، ماده ۱۷].

۱. ر.ک: بند ۳-۲.

۲. در ادامه این نوشتار به اختصار با عنوان «کنوانسیون آمریکایی» آمده است.

۳. در ادامه این نوشتار به اختصار با عنوان «کنوانسیون اروپایی» آمده است.



در بعضی از پرونده‌های مطرح در دیوان اروپایی، این ماده به عنوان توجیه قوانین مربوط به سخنان نفرت‌زا - البته بدون ایجاد الزام به وجود چنین قوانینی - مورد استفاده قرار گرفته است. مثلاً یکی از قضات این دیوان (به نام قاضی «جامبرک» در پرونده لیدکس و آیزورنی علیه فرانسه)^۱ می‌گوید: «به منظور استناد به ماده ۱۷، باید هدف اعمال آزاردهنده یکی از امور زیر باشد: توسعه خشونت یا تنفر، توسل به شیوه‌های غیرقانونی یا غیر دموکراتیک، تشویق به استفاده از زور، تخریب نظام سیاسی دموکراتیک و کثرت‌گرایی کشور، یا تعقیب اهدافی که نژادپرستانه است یا امکان دارد به تخریب حقوق و آزادی‌های دیگران منجر شود» [۱۵، پیوست، پ ۲].

البته نقص کنوانسیون اروپایی درخصوص سخنان نفرت‌زا تا حد زیادی با تصمیمات نهادهای وابسته به شورای اروپا و اتحادیه اروپا رفع شده است که از جمله می‌توان به ضمیمه توصیه‌نامه شماره ۲۰(۹۷) کمیته وزیران شورای اروپا در مورد سخنان نفرت‌زا [۱۶]، توصیه‌نامه عمومی شماره ۷ کمیسیون اروپایی ضد نژادپرستی و نابردباری درخصوص قوانین ملی مبارزه با نژادپرستی و تبعیض نژادی [۱۷]، و تصمیم قالبی شورای اتحادیه اروپا درخصوص مبارزه کیفی با اظهارات و اشکال خاص نژادپرستی و بیگانگی‌هراسی [۱۸] اشاره کرد.

۲-۶. منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها^۲

این منشور، محدودیت‌های عامی را در مواد ۲۷ تا ۲۹ برای تمام حقوق مذکور در منشور وضع کرده است [۱۹، مواد ۲۷-۲۹]. از جمله وظایف مذکور در این مواد که می‌توان آن‌ها را به سخنان نفرت‌زا مربوط دانست این است: «حقوق مورد نظر باید با توجه کافی به حقوق دیگران به اجرا درآید» و همچنین «احترام به دیگران و حفظ روابطی که به منظور ترویج احترام و بردباری ایجاد شده است». به نظر بعضی از حقوقدانان، به منظور توجیه قوانین مربوط به سخنان نفرت‌زا می‌توان به این مواد از منشور آفریقایی استناد کرد [۹، ص ۵].

اکنون که با موارد اشاره به ممنوعیت سخنان نفرت‌زا در اسناد بین‌المللی آشنا شدیم در

1. Jambrech in Lehideux and Isorni v. France

۲. در ادامه این نوشتار به اختصار با عنوان «منشور آفریقایی» آمده است.

ادامه به اجزای این مفهوم با توجه به این اسناد می‌پردازیم.

۳. اجزای سخنان نفرت‌زا

با توجه به متن اسناد فوق و از جمله بند ۲ ماده ۲۰ «میثاق» می‌توان گفت: اجزای تشکیل‌دهنده سخن نفرت‌زا عبارت است از: ۱) قصد تحریک، ۲) تنفر نسبت به گروه‌های ملی، نژادی یا مذهبی، ۳) وقوع تحریک، و ۴) ایجاد تبعیض، دشمنی یا خشونت.

۳-۱. قصد تحریک

بند ۲ ماده ۲۰ «میثاق» با این عبارت شروع می‌شود: «هرگونه حمایت از»^۱. آن‌گونه که حقوقدانان گفته‌اند می‌توان شرط وجود «حمایت» از اعمال ممنوع در تعریف سخنان نفرت‌زا را به معنای شرط «قصد» محسوب کرد. به عبارت دیگر، فقط اظهاراتی که با قصد تحریک تنفر انجام شود، ممنوع است، نه تحریک‌هایی که «اتفاقی و غیرعمدی»^۲ یا «ضمنی و فرعی»^۳، و یا به منظور افشای حمایت دیگران از تنفر باشد [ص ۹، ص ۶].

کنوانسیون آمریکایی نیز تحقق سخنان نفرت‌زا را منوط به وجود حمایت کرده است؛ اما در اعلامیه جهانی و کنوانسیون بین‌المللی رفع هر گونه تبعیض نژادی به این جزء اشاره نشده است. گزارشگران ویژه آزادی بیان^۴ نیز نسبت به لزوم قصد به عنوان پیش‌شرط اعمال مجازات نسبت به سخنان نفرت‌زا تأکید کرده‌اند [ص ۲۰، ص ۲].

دادگاه‌ها و مراجع بین‌المللی نیز با در نظر گرفتن این موضوع که ادعای وقوع سخنان نفرت‌زا بدون اثبات قصد می‌تواند آزادی بیان به‌ویژه آزادی رسانه‌ها را بسیار محدود کند،

-
1. any advocacy of
 2. accidental
 3. incidental

مثلاً تنفر ناشی از انتشار نتایج یک مطالعه یا بحث علمی درباره موضوعی مناقشه‌آمیز.

۴. این گزارشگران عبارتند از: گزارشگر ویژه ترویج و حمایت از حق آزادی نظر و بیان وابسته به شورای حقوق بشر (پیش از تشکیل شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۶، وابسته به کمیسیون حقوق بشر)، نماینده آزادی رسانه‌ها وابسته به سازمان امنیت و همکاری اروپا، و گزارشگر ویژه آزادی بیان وابسته به سازمان کشورهای آمریکایی. این گزارشگران از سال ۱۹۹۹ هر سال اعلامیه مشترکی منتشر می‌کنند. در ضمن گزارشگر ویژه آزادی بیان وابسته به کمیسیون آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها نیز از سال ۲۰۰۶ به سه گزارشگر فوق پیوسته است.



وجود قصد را لازم دانسته‌اند. به عنوان مثال می‌توان گفت که بازتولید اظهارات دیگران که از نظر محتوا سخن نفرت‌زا محسوب می‌شود، ممنوع نیست، مگر این‌که گوینده و گزاش‌کننده این سخنان به‌صراحت یا به طور ضمنی از آن حمایت کند. مثلاً دادگاه‌های دانمارک، تهیه‌کننده یک برنامه تلویزیونی را به دلیل اشاعه سخنان نفرت‌زا محکوم کردند. در این برنامه که به صورت یک مصاحبه تلویزیونی تهیه شده بود، سه عضو یک گروه تندرو دانمارکی به اظهار سخنان نفرت‌زا مبادرت کرده بودند. اما دیوان اروپایی با رد محکومیت خواهان از جمله به دلیل عدم قصد حمایت از سخنان منتشرشده می‌گوید: «یک عامل مهم در ارزیابی دیوان این است که آیا برنامه مورد نظر از نظر عینی با هدف تبلیغ نظرها و عقاید نژادپرستانه بوده است یا نه. دادگاه‌های داخلی تأکید زیادی بر این موضوع داشتند که خواهان، ابتکار تهیه این برنامه را در دست داشت و نه تنها از قبل می‌دانست که ممکن است در طول مصاحبه، اظهارات نژادپرستانه مطرح شود، بلکه طرح چنین اظهاراتی را تشویق کرده بود ... به نظر دیوان ... نمی‌توان از نظر عینی معتقد بود که این برنامه با هدف تبلیغ نظرها و عقاید نژادپرستانه تهیه شده است ... دیوان متقاعد نشد که ... این برنامه برای ایجاد موازنه نظرهای افراطی تلاش نکرده است. هم مقدمه ارائه‌شده توسط مجری تلویزیون و هم رفتار خواهان در طول مصاحبه، او را از افراد مصاحبه‌شونده متمایز می‌کند. مثلاً او آن‌ها را به عنوان اعضای «یک گروه جوان افراطی» ... معرفی کرد. به علاوه، خواهان بعضی از اظهارات نژادپرستانه ایشان را رد کرد» [۲۱، پ ۳۱-۳۴].

۲-۳. تنفر نسبت به گروه‌های ملی، نژادی یا مذهبی

بند ۲ ماده ۲۰ «میتاق» در ادامه تعریف سخنان نفرت‌زا و در تبیین گروه‌های مورد حمایت بیان می‌کند: «تنفر ملی، نژادی یا مذهبی»^۱. بنابراین می‌توان گفت طبق «میتاق» فقط گروه‌های سه‌گانه ملی، نژادی یا مذهبی مشمول سخنان نفرت‌زا هستند.

کنوانسیون آمریکایی که در تعریف سخنان نفرت‌زا ابتدا به همین سه گروه اشاره می‌کند، در ادامه با اشاره به ممنوعیت تحریک به خشونت بر ضد گروه‌ها و افراد «به هر دلیل از جمله^۲ نژاد، رنگ، دین، زبان، یا منشأ ملی» [۱۳، ماده ۱۳] دامنه این ممنوعیت را به تمام

1. national, racial or religious hatred
2. on any grounds including

گروه‌های انسانی تسری داده است.

ماده ۷ اعلامیه جهانی به تبعیض در نقض اعلامیه اشاره می‌کند. بنابراین احتمالاً تمام مبناهای مذکور در ماده ۲ این اعلامیه را شامل می‌شود که عبارتند از «نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها» [۸، ماده ۲]. لذا می‌توان گفت اعلامیه جهانی نیز تمام گروه‌های انسانی را مشمول سخنان نفرت‌زا دانسته است.

ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی که سخنان نفرت‌زا را تعریف کرده است فقط «گروه‌های نژادی و قومی یا گروه‌های با رنگ متفاوت» را مورد حمایت قرار داده است؛ اما بعضی از حقوقدانان معتقدند گروه‌های با ملیت و نسب متفاوت نیز تحت حمایت این کنوانسیون هستند [۹، ص ۶]. شاید مبنای چنین اعتقادی، قسمت‌های دیگر این کنوانسیون، از جمله ماده ۱ آن باشد. بند ۱ این ماده بیان می‌کند: «در کنوانسیون حاضر، اصطلاح «تبعیض نژادی» اطلاق می‌شود به هر نوع تمایز، ممنوعیت، محدودیت یا رجحانی که براساس نژاد، رنگ، نسب، یا منشأ ملی یا قومی مبتنی بوده و هدف یا اثر آن از بین بردن یا در معرض تهدید و مخاطره قرار دادن شناسایی، تمتع یا استیفا در شرایط مساوی از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا در هر زمینه دیگر از حیات عمومی باشد» [۱۲، ماده ۱].

اگر استدلال فوق را بپذیریم باید گفت حمایت «میثاق» در مقابل سخنان نفرت‌زا نیز محدود به گروه‌های ملی، نژادی یا مذهبی نمی‌شود؛ چون در ماده ۲ میثاق نیز به عدم تبعیض مبتنی بر «نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسب یا سایر وضعیت‌ها» [۱، ماده ۲] اشاره شده است. اما به نظر می‌رسد بهتر است گروه‌های مورد حمایت در مقابل سخنان نفرت‌زا را به گروه‌هایی که در مواد مربوط به این سخنان آمده است محدود کرد؛ یعنی ماده ۲۰ «میثاق»، ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، و ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی.

جدا از موضوع گروه‌های مورد حمایت، سؤال اساسی دیگر این است که تنفر از این گروه‌ها یعنی چه؟ شاید توصیه شورای اروپا درباره سخنان نفرت‌زا بتواند توضیح ناقصی درباره تعریف تنفر یا مصادیق آن ارائه دهد. این شورا می‌گوید: «اصطلاح سخنان نفرت‌زا



شامل تمام انواع بیانی است که امور زیر را گسترش داده، تحریک، ترویج یا توجیه کند: تنفر نژادی، بیگانه‌هراسی، ضد یهودی‌گری یا دیگر اشکال تنفر مبتنی بر نابردباری، شامل نابردباری ابرازشده با ملی‌گرایی افراطی یا قومیت‌محوری، تبعیض و دشمنی بر ضد اقلیت‌ها، مهاجران یا افراد با منشأ مهاجرت» [۱۶، پیوست].

اما سؤال اساسی دیگری که درباره جزء فوق پیش می‌آید این است که آیا فقط «گروه‌های انسانی» تحت حمایت ممنوعیت سخنان نفرت‌زا هستند یا «افراد» نیز مشمول این حمایت می‌شوند؟ اگر متن اسناد بین‌المللی مرتبط با سخنان نفرت‌زا را ملاک قرار دهیم می‌توان اختلافاتی را در این مورد مشاهده کرد.

متأسفانه این موضوع در «میثاق» به صورت مبهم بیان شده؛ چون ماده ۲۰ «میثاق» از اصطلاح «فرد» یا «گروه» یا اصطلاح دیگری که بیان‌گر این موضوع باشد استفاده نکرده است.^۱ البته گزارشگر آزادی دین یا عقیده و گزارشگر اشکال امروزی نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌هراسی و نابردباری مربوط به آن معتقدند افراد نیز مشمول حمایت ماده ۲۰ هستند [۲۲، پ ۴۷].

اعلامیه جهانی از اصطلاح «همه»^۲ استفاده کرده که به نظر می‌رسد منظورش «هر فردی» است. بنابراین می‌توان گفت: اعلامیه جهانی، «افراد» را مشمول این حمایت می‌داند. کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی از «هر نژاد یا گروه انسانی با رنگ یا قومیت متفاوت» نام برده است و از این رو می‌توان گفت این کنوانسیون فقط «گروه‌ها» را مورد حمایت قرار داده است. کنوانسیون آمریکایی، تحریک به تبعیض بر ضد «هر فرد یا گروهی از افراد» را در تعریف خود به کار برده است و این یعنی، نه تنها گروه‌ها، بلکه افراد نیز تحت حمایت هستند.

با وجود این، به نظر می‌رسد فقط گروه‌های انسانی مشمول این حمایت هستند؛ چون تحریک به تبعیض، دشمنی یا خشونت که مبتنی بر ملیت، نژاد یا دین باشد اصولاً فقط نسبت به گروه‌های انسانی روی می‌دهد. از طرف دیگر، اگر چنین تحریکی نسبت به افراد اتفاق بیفتد می‌توان با استناد به بند «الف» ماده ۱۹ «میثاق» که «حفظ حقوق و حیثیت دیگران» را محدودکننده آزادی بیان دانسته است با آن مقابله کرد و نیاز به اعمال ضابطه خاص

۱. بند ۲ ماده ۲۰ میثاق در تعریف سخنان نفرت‌زا بیان می‌کند:

Any advocacy of national, racial or religious hatred that constitutes incitement to discrimination, hostility or violence shall be prohibited by law.

2. all

ممنوعیت سخنان نفرت‌زا نیست. در واقع، اهمیت خاص ممنوعیت سخنان نفرت‌زا باعث شده است که بعضی از اسناد بین‌المللی، ممنوعیت خاصی برای این سخنان وضع کنند و بدیهی است که وقوع این سخنان نسبت به افراد نمی‌تواند حائز چنین اهمیتی باشد. سؤال دیگر این است که آیا می‌توان نظرها و عقاید را نیز موضوع سخنان نفرت‌زا محسوب کرد؟ بعضی از حقوقدانان به این سؤال پاسخ منفی داده‌اند. مثلاً گفته شده است: «تلاش‌های دانشگاهی زیادی برای تمایز سخنان نفرت‌زا از سخنان صرفاً زنده و آزاردهنده انجام شده است. یک شیوه استدلالی که حداقل از جنبه نظری مفید به نظر می‌رسد، این است که بین اظهاراتی که نظرها را مورد حمله قرار می‌دهند - همچون سخنان آزاردهنده - و مورد حمایت اسناد حقوق بشری هستند از یک طرف، و سخنان ناسزاآمیز که افراد انسانی را هدف قرار می‌دهند و ممکن است مورد حمایت نباشند از طرف دیگر تمایز قائل شویم» [۹، ص ۸].

اما به نظر می‌رسد که نظریه فوق قابل قبول نباشد؛ زیرا اولاً ایجاد تنفر نسبت به نظرها و عقاید ممکن است و ثانیاً حتی اگر فقط افراد و یا گروه‌های انسانی را تحت حمایت این قاعده بدانیم، دور از ذهن نیست که طرح سخنان نفرت‌زا نسبت به یک عقیده یا نظر، منجر به تنفر از افراد و گروه‌هایی شود که معتقد به آن نظر یا عقیده هستند. بعضی از آرای مراجع بین‌المللی نیز مؤید این استنباط است. مثلاً دیوان اروپایی در رد محکومیت نویسنده مقاله‌ای که به نقد یک نظر مورد حمایت کلیسای کاتولیک پرداخته بود می‌گوید: «اگرچه موضوعی که در این پرونده مطرح شده است مربوط به یک نظر مورد حمایت کلیسای کاتولیک بوده و در نتیجه موضوعی مذهبی است. ... اما این مقاله بی‌دلیل آزاردهنده و موهن نبوده و تحریک به بی‌احترامی و تنفر نیز نیست» [۲۳، پ ۵۱-۵۲]. این رأی مؤید این احتمال است که انتقاد از یک نظر می‌تواند منجر به تحریک تنفر نسبت به طرفداران آن نظر شود.

ذکر این موضوع نیز خالی از فایده نیست که سخن نفرت‌زا، سخنی است که موجب تحریک بر ضد گروهی است که موضوع سخن هستند، نه سخنی که منجر به تنفر و تحریک خشونت بر ضد خود سخنران می‌شود. به عبارت دیگر: «ممنوعیت سخنان نفرت‌زا ... در صورتی است که خشونت یا تهدید به خشونت، گروه‌های دینی - معمولاً اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر - را هدف قرار دهد که در سخن یا نوشته مورد نظر نیز مورد حمله هستند. خشونت یا تهدید به خشونت که بانی سخن یا نوشته را هدف قرار می‌دهد در چارچوب ماده ۲۰ «میثاق» نیست. در غیر این صورت،



این ماده منجر به سوءاستفاده از حق می‌شود؛ یعنی وضعیت‌هایی که افراد می‌توانند با ایجاد خشونت، موجبات اجرای این شرط را فراهم کنند. به عبارت دیگر، یک نفر می‌تواند با بروز رفتاری خشن، مقامات را ملزم کند که در آزادی بیان فرد دیگر مداخله کنند» [۲۴، ص ۵۴۴].

۳-۳. وقوع تحریک

بند ۲ ماده ۲۰ «میثاق» بعد از لزوم «حمایت» از «تنفر ملی، نژادی یا دینی» برای تحقق سخنان نفرت‌زا، لازم دانسته است که این حمایت منجر به «تحریک» نتایج ممنوع باشد.^۱ اعلامیه جهانی و کنوانسیون آمریکایی نیز تحریک را لازم دانسته‌اند. در مورد کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی باید قائل به تفکیک شد؛ زیرا در بعضی موارد، تحریک را لازم دانسته است و در موارد دیگر نه. طبق بند «الف» ماده ۴ این کنوانسیون، اعمال ممنوع، شامل این موارد است: ۱) انتشار افکار مبتنی بر برتری نژادی، ۲) انتشار افکار مبتنی بر تنفر نژادی، ۳) تحریک به تبعیض نژادی، ۴) اعمال خشونت، ۵) تحریک به خشونت، و ۶) کمک‌های مالی و غیر مالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی.

از میان اعمال فوق، موارد ۱، ۲، ۳ و ۵ مربوط به سخنان نفرت‌زا است و همان‌طور که ملاحظه می‌شود موارد ۱ و ۲ بدون عنصر تحریک هستند و موارد ۳ و ۵ به همراه تحریک. البته به نظر می‌رسد اثر ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی با توجه به جمله ابتدایی آن تعدیل شده است. طبق این جمله، کشورها ملزم هستند در اتخاذ اقدامات اجرایی این ماده، «اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده پنجم^۲ این کنوانسیون تصریح شده مورد توجه قرار دهند» [۱۲، ماده ۴].

در مورد تأثیر جمله ابتدایی ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی بر وظایف کشورهای متعاقد، سه نظر وجود دارد:

۱. کشورهای متعاقد حق ندارند اقداماتی را اتخاذ کنند که به نوعی حقوق بشر مذکور در شرط فوق را محدود یا معیوب کند.

1. that constitutes incitement to ...

برای آشنایی با نتایج ممنوع سخنان نفرت‌زا رجوع کنید به: بند ۳-۴.

۲. ماده ۵ این کنوانسیون خواستار تضمین حقوق مدنی و سیاسی، و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی شده است و به طور خاص به بعضی از حقوق، از جمله حق آزادی بیان، حق آزادی تشکیل انجمن، و حق تجمعات مسالمت‌آمیز اشاره کرده است.

۲. کشورهای متعاهد باید بین آزادی‌های اساسی و وظایف مقرر در کنوانسیون موازنه‌ای برقرار کنند.

۳. کشورهای متعاهد نمی‌توانند به حفظ حقوق مدنی به عنوان دلیلی برای اجتناب از وضع قوانین لازم برای اجرای کنوانسیون متوسل شوند [۷، ص ۲۴].

در مجموع می‌توان گفت به اعتقاد بسیاری از حقوقدانان، تعهد منع سخنان نژادپرستانه و تعهد احترام به حق آزادی بیان در تناقض با یکدیگر هستند [۴، ص ۱۴۳]. اما با توجه به گزارش‌های کمیته محو تمام اشکال تبعیض نژادی می‌توان گفت این کمیته ایجاد موازنه بین این دو تعهد را ممکن دانسته است [۲۵، پ ۱۱۵].

در هر حال، مهم‌ترین تفاوت بین اسناد مرتبط با سخنان نفرت‌زا درباره این جزء از سخنان نفرت‌زا است. در واقع، عدم لزوم تحریک در بعضی از اعمال ممنوع مذکور در کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، ضمن فاصله انداختن بین این سند و اسناد دیگر، سبب اختلاف‌نظر زیاد بین حقوقدانان و حتی کشورها در پذیرش و اجرای این کنوانسیون شده است. از میان ۱۷۳ کشوری که به این کنوانسیون پیوسته‌اند، ۱۹ کشور به ماده ۴ شرط وارد کرده‌اند. مثلاً اتریش در شرط خود گفته است: «جمهوری اتریش معتقد است در هنگام اعمال اقدامات مذکور در ماده ۴ کنوانسیون، نباید حق آزادی نظر و بیان و حق آزادی تجمعات مسالمت‌آمیز و تشکیل انجمن به خطر بیفتند» [۲۶، ص ۴].^۱

همچنین جالب توجه است که علیرغم نظر کمیته محو تمام اشکال تبعیض نژادی، مبنی بر لزوم اجرای کامل کنوانسیون [۲۷، پ ۴(الف)]^۲، اعضای این کمیته در بعضی موارد با یکدیگر اختلاف‌نظر داشته‌اند. مثلاً این کمیته در گزارش خود به مجمع عمومی سازمان ملل درباره یکی از آرای دیوان عالی دانمارک می‌گوید: «بعضی اعضا از این تصمیم به عنوان صریح‌ترین بیان - در نوع خود تا آن زمان - مبنی بر این‌که حق حفاظت در مقابل تبعیض نژادی نسبت به حق آزادی بیان اولویت دارد، استقبال کردند. اعضای دیگر معتقد بودند در چنین مواردی باید واقعیات را در مورد هر دو حق در نظر گرفت» [۲۸، پ ۵۶].

۱. همچنین نگاه کنید به شرط کشورهای باهاما، بلژیک، فیجی، فرانسه، ایرلند، ایتالیا، ژاپن، مالتا، موناکو، نپال، گینه نو، پاپوا، سوئیس، تونگا، انگلیس و آمریکا [۲۶].

۲. کمیته از کشورها خواسته است ضمن کفایتی کردن اعمال مذکور در ماده ۴ «در قوانین کفایتی خود مقرراتی داشته باشند که ارتکاب جرم با دلایل نژادی را به عنوان عامل تشدیدکننده مجازات بشناسد».



اکنون که «تحریک» به عنوان یکی از اجزای سخنان نفرت‌زا لازم دانسته شد با این سؤال اساسی روبه‌رو هستیم که چگونه می‌توان در عمل، وجود آن را اثبات کرد؟ مراجع بین‌المللی در زمان ارزیابی این موضوع به عواملی همچون سیاق سخنان و همبستگی بین اظهارات و نتایج ممنوع توجه می‌کنند. مثلاً هنگامی که در کانادا، یک معلم به دلیل نشر نظرهای منکر هولوکاست و موضوعات ضد یهودیت، از شغل آموزشی محروم شد، کمیته حقوق بشر در تأیید رأی دادگاه‌های کانادا ابراز داشت: «اعمال حق آزادی بیان به همراه وظایف و مسؤولیت‌هایی است. این وظایف و مسؤولیت‌ها ارتباط خاصی با نظام مدرسه دارد، به‌ویژه درباره تعلیم دانش‌آموزان جوان. به نظر کمیته، تأثیر معلمان مدرسه می‌تواند توجیهی باشد برای محدود کردن آزادی بیان آن‌ها و با این هدف که نظام مدرسه به اظهارات تبعیض‌آمیز، مشروعیت ندهد. در این پرونده، کمیته این واقعیت را در نظر می‌گیرد که به اعتقاد دیوان عالی کانادا، منطقی بود که پیش‌بینی شود بین اظهارات آن معلم و «فضای مسموم مدرسه» که کودکان یهودی در آن قرار می‌گرفتند، رابطه سببیت وجود دارد. در این سیاق، می‌توان حذف معلم از شغل آموزشی را به منظور حفظ حق کودکان یهودی به داشتن نظام آموزشی خالی از جانبداری، تعصب و نابردباری، یک محدودیت ضروری دانست» [۲۹، پ ۱۱-۶].

این کمیته در پرونده دیگری، ضمن پذیرش مشروعیت اجرای قانونی که سخنان نفرت‌زا را ممنوع می‌کرد، اظهار داشت: «ممکن است اجرای قانون گیسوت^۱ که مناقشه در نتایج و آرای دیوان نظامی نورنبرگ را جرم تلقی کرده است، در شرایطی متفاوت با واقعیات پرونده حاضر، منجر به تصمیمات یا اقداماتی شود که با میثاق سازگار نباشد» [۱۰، پ ۹-۳].

در ضمن باید به این نکته نیز توجه داشت که در بررسی وجود یا عدم وجود تحریک، باید معیارهای نوعی را به کار برد. مثلاً دیوان عالی ویکتوریا در استرالیا اعلام کرده است: «این‌که اظهارات انتقادآمیز نسبت به یک دین، تحریک به تنفر است یا نه ... باید در سیاق اجتماعی و تاریخی پیرامون سخن، مورد توجه قرار گیرد. این‌که آن اظهارات ... تحریک به اقدام ... بوده است یا نه باید با توجه به یک «مخاطب عادی»^۲ آن سخنان مورد بررسی قرار گیرد» [۳۰، پ ۱۷۷].

لازم به تأکید است که طبق رویه قضایی بین‌المللی، رابطه سببیت لازم بین تحریک و نتایج ممنوع آن، یک رابطه مستقیم نیست. مثلاً در یکی از آرای دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا

1. Gayssot Act
2. ordinary audience

آمده است: «رویه قضایی بین‌المللی در بررسی این موضوع که آیا اظهارات خاصی، منجر به تحریکی شده است که محدود کردن آن موجه باشد، خواستار وجود سببیت مشخص بین اظهارات مورد نظر و وقوع یک اثر مستقیم نشده است. در پرونده معروف «جولیوس استریچر»^۱ در دیوان نورنبرگ ادعا نشد که موضوعات منتشرشده توسط استریچر با خشونت خاصی مرتبط بوده است، بلکه یافته عمومی‌تر این بود که این نشریه، افکار هزاران آلمانی را به نحوی مسموم کرده بود که سبب شد آن‌ها از سیاست سوسیالیست ملی مبنی بر اذیت و آزار و براندازی یهودیان حمایت کنند» [۳۱، پ ۸۹].

حائز اهمیت این‌که هرچند شرط وقوع سخنان نفرت‌زا این است که تحریک به یکی از نتایج ممنوع صورت گیرد، اما لازم نیست در عمل نیز چنین نتایجی محقق شود. به عبارت دیگر، وجود تحریک، فارغ از این‌که در عمل نتایج ممنوع به دنبال داشته باشد یا نه برای تحقق سخنان نفرت‌زا کفایت می‌کند [۱۰، پ ۹-۶]. البته همان‌طور که دیوان‌های بین‌المللی ابراز داشته‌اند وقوع نتایج ممنوع، کار اثبات وجود تحریک را آسان می‌کند. مثلاً دیوان کیفری بین‌المللی برای رواندا یادآوری کرده است که «تحریک، فارغ از این‌که منجر به نتایج مقصود بشود یا نه، یک جرم است. البته در اثبات این موضوع که مکاتبات مورد نظر نمایانگر خطر وقوع نسل‌کشی و در نتیجه تحریک بوده است یا نه، دیوان این نکته را مهم تلقی می‌کند که در واقع، نسل‌کشی روی داده است» [۳۱، پ ۹۸].

۳-۴. ایجاد تبعیض، دشمنی یا خشونت

بند ۲ ماده ۲۰ «میثاق» نتایج ممنوع سخنان نفرت‌زا را ایجاد تبعیض، دشمنی یا خشونت^۲ دانسته است. بنابراین بر طبق «میثاق»، حمایت از تنفر ملی، نژادی یا مذهبی فقط در صورتی ممنوع است که تحریکی باشد به «تبعیض»، «دشمنی» یا «خشونت».

اعلامیه جهانی فقط تحریک به «تبعیض» را مورد اشاره قرار داده است. کنوانسیون آمریکایی، تحریک به «خشونت» یا «اعمال غیرقانونی مشابه» را ممنوع دانسته است. کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی نیز تحریک به «تبعیض» یا «خشونت» را

1. Julius Streicher

2. discrimination, hostility or violence



مطرح کرده است. بنابراین می‌توان گفت در این مورد، «میثاق» از اسناد دیگر کامل‌تر است. از میان نتایج ممنوع سخنان نفرت‌زا که در اسناد فوق به آن‌ها اشاره شده، خشونت، اعمال غیرقانونی مشابه آن، و تبعیض ذاتاً غیرقانونی هستند و از این رو، ممنوعیت تحریک به آن‌ها جزئی از قاعده عام ممنوعیت تحریک به جرم است که در نظام‌های حقوقی پذیرفته شده است. اما ممنوعیت تحریک به دشمنی جای بحث دارد؛ زیرا معنای دشمنی دچار ابهام است. البته شاید بتوان گفت دشمنی و تنفر به یک معنا هستند [۹، ص ۶] که در این صورت، جای سؤال دارد که چگونه می‌توان تحریک به تنفر را نامشروع دانست، در حالی که تنفر به خودی خود یک نظر است و از این رو تحت حمایت مطلق آزادی نظر در حقوق بین‌الملل قرار دارد؟

شاید در پاسخ به سؤال فوق بتوان با کمیته حقوق بشر و کمیته محو تمام اشکال تبعیض نژادی هم‌صدا شد که «تنفر، یک وضعیت ذهنی است، نه یک عمل خاص. با وجود این و علیرغم این‌که بعضی کشورها نسبت به منع تحریک به تنفر معترض بوده‌اند اکثر کشورها این معیار حقوق بین‌الملل را پذیرفته‌اند. این وضعیت حداقل تا حدی به این دلیل است که تنفر به‌ناچار نوعی بروز محسوس پیدا خواهد کرد و لذا لازم نیست گروه‌ها منتظر بمانند تا اعمال مخرب حق برابری آن‌ها وقوع یابد» [۹، ص ۱۱-۱۲].

نکته بسیار مهم دیگر این‌که کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، انتشار افکار مبتنی بر برتری نژادی یا تنفر نژادی را بدون آن‌که همراه تحریک به نتایج ممنوع خاصی باشد، ممنوع دانسته و از این جنبه نسبت به سایر اسناد مربوط به سخنان نفرت‌زا بسیار گسترده‌تر است و همان‌طور که مشاهده شد بسیاری از کشورهای طرف این کنوانسیون به ماده ۴ که حاوی این تعهدات است شرط وارد کرده‌اند.^۱ «در ضمن این قاعده بحث‌انگیز به‌ویژه ممنوعیت سخنان مبتنی بر برتری نژادی، در قوانین بسیاری از کشورهای طرف این کنوانسیون بیان نشده است و به نظر می‌رسد این ضابطه با تضمین حق آزادی بیان مذکور در «میثاق» همخوانی ندارد» [۹، ص ۱۲].

لازم به ذکر است در سیستم اروپایی حقوق بشر نیز شواهدی وجود دارد، مبنی بر ممنوعیت سخنان مبتنی بر برتری نژادی یا تنفر نژادی، بدون آن‌که این سخنان منجر به نتایج ممنوع شود. در یکی از توصیه‌نامه‌های کمیسیون اروپایی ضد نژادپرستی و نابردباری

می‌خوانیم: «ماده ۱) در این توصیه‌نامه، تعاریف زیر به کار می‌رود:

الف) نژادپرستی به معنای این اعتقاد است که دلایلی همچون نژاد، رنگ، زبان، دین، ملیت یا منشأ ملی یا قومی، توجیهی است برای تحقیر فرد یا گروهی از افراد، یا مفهوم برتری فرد یا گروهی از افراد ...

ماده ۱۸) اگر اعمال زیر به عمد انجام شود، باید قانون آن‌ها را جرم تلقی کند: ...
د) ابراز عمومی یک ایدئولوژی که مدعی برتری گروهی از افراد بر مبنای نژاد، رنگ، زبان، دین، ملیت، یا منشأ ملی یا قومی است یا آن‌ها را کم‌ارزش یا بدنام می‌کند، البته اگر با هدف نژادپرستانه صورت گیرد» [۱۷، مواد ۱ و ۱۸].

اما در مقابل، بعضی از کشورها، به‌ویژه آمریکا بر این عقیده هستند که فقط تحریکی که به قصد ایجاد «خشونت قریب‌الوقوع» صورت گیرد می‌تواند موجب محدودیت آزادی بیان شود [۴، ص ۱۴۰]. به عبارت دیگر، این کشورها نه‌تنها تحریک به تبعیض و دشمنی را اصلاً سخن نفرت‌زا نمی‌دانند، بلکه حتی تحریک به خشونت را که احتمال وقوع آن کم یا دور باشد نیز مشمول سخنان نفرت‌زا نمی‌دانند. مثلاً دیوان عالی آمریکا می‌گوید: «حق آزادی بیان و مطبوعات به ایالت‌ها اجازه نمی‌دهد که حمایت از استفاده از زور و نقض قانون را ممنوع کنند، مگر در جایی که این حمایت به منظور تحریک به انجام اقدامات غیرقانونی فوری انجام شده و احتمال وقوع چنین عملی در اثر تحریک وجود داشته باشد» [۳۲، ص ۴۴۴].

گزارشگر آزادی دین یا عقیده نیز معتقد است: «فقط اظهاراتی طبق ماده ۲۰ ممنوع است که موجب تحریک به اعمال خشونت یا تبعیض قریب‌الوقوع شود» [۲۲، پ ۴۷]. البته آن‌گونه که خود گزارشگر آزادی دین یا عقیده نیز ابراز داشته است نمی‌توان از نظرهای کمیته حقوق بشر چنین استنباطی کرد و نظر تفسیری عام این کمیته درخصوص ماده ۲۰ هیچ توضیحی درخصوص معنای اصطلاحات به کار رفته در این ماده و به‌ویژه درباره آستانه اجرای آن نمی‌دهد [۳۳].

اما به نظر نمی‌رسد که بتوان وقوع خشونت قریب‌الوقوع را شرط تحقق سخنان نفرت‌زا دانست. زیرا اگر وقوع خشونت قریب‌الوقوع را شرط تحقق سخنان نفرت‌زا بدانیم، این سخنان در محدوده مفهوم نظم عمومی قرار می‌گیرند،^۱ در حالی که طبق تعریف، ممکن است سخنان

۱. در واقع، برهم زدن صلح و آرامش یا احتمال جدی وقوع آن در آینده، پیش‌شرط استناد به نظم عمومی برای محدود کردن حقوق و از جمله حق آزادی بیان است.



نفرت‌زا بدون آن‌که به آرامش جامعه و نظم عمومی لطمه بزنند، موجب اعمال تبعیض، دشمنی یا خشونت نسبت به گروه‌های خاصی بشوند. از طرف دیگر، هیچ‌یک از اسناد مرتبط با سخنان نفرت‌زا، ایجاد خشونت و آسیب قریب‌الوقوع را شرط تحقق این سخنان ندانسته‌اند.

در هر حال، میثاق راه میانه‌ای را انتخاب کرده است؛ زیرا از یک طرف، تحریک به نتایج ممنوع را لازم می‌داند، ولی از طرف دیگر شرط قریب‌الوقوع بودن آسیب را ذکر نکرده است. با وجود این، تعدادی از کشورها به ماده ۲۰ میثاق که سخنان نفرت‌زا را ممنوع کرده، شرط وارد کرده‌اند. در مجموع، ۱۷ کشور به ماده ۲۰ میثاق شرط وارد کرده‌اند که از این میان ۷ کشور استرالیا، بلژیک، لوکزامبورگ، مالتا، نیوزیلند، انگلستان و آمریکا با اشاره کلی به لزوم هماهنگی و سازگاری این ماده با حق آزادی نظر و بیان، و حق تشکیل انجمن یا تجمعات مسالمت‌آمیز، شرط خود را تشریح کرده‌اند.^۱ مثلاً انگلستان اظهار داشته است: «دولت انگلستان ماده ۲۰ را به صورتی سازگار با حقوق مذکور در مواد ۱۹ و ۲۱ میثاق تفسیر می‌کند و با توجه به قوانین وضع‌شده در موضوعات نگران‌کننده واقعی درخصوص مصلحت نظم عمومی، این حق را برای خود قائل است که قوانین بیشتری در این خصوص وضع نکند» [۳۴، ص ۱۳-۱۴].

۴. نتیجه‌گیری

ممنوعیت سخنان نفرت‌زا که به‌صراحت یا به‌طور ضمنی در اسناد بین‌المللی مورد پذیرش قرار گرفته، در بین حقوقدانان و کشورها نیز از مقبولیت بالایی برخوردار است؛^۲ اما این موضوع مانع اختلاف بر سر تعریف این مفهوم نشده است. شاید بتوان گفت بیش‌ترین اختلاف بین کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی از یک طرف و سایر اسناد حقوق بشری از طرف دیگر درباره لزوم تحقق تحریک به نتایج ممنوع است.

در واقع، طبق ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی، اشاعه نظرهای مبتنی بر برتری نژادی یا تنفر نژادی، فارغ از این‌که همراه تحریک به تبعیض، دشمنی یا خشونت باشد ممنوع شده و این برخلاف سایر اسناد بین‌المللی است که تحریک به نتایج

۱. ۱۰ کشور دیگر به بند ۱ ماده ۲۰ درخصوص ممنوعیت تبلیغ به جنگ، شرط وارد کرده‌اند.

۲. تا ابتدای سال ۲۰۱۱، ۱۶۶ کشور به میثاق و ۱۷۳ کشور به کنوانسیون تبعیض نژادی پیوسته‌اند و این دو سند حاوی ممنوعیت سخنان نفرت‌زا هستند.

ممنوع را لازم دانسته‌اند. همین اختلاف باعث شده است که تعدادی از کشورها به ماده ۴ کنوانسیون تبعیض نژادی درباره سخنان نفرت‌زا شرط وارد کنند. به نظر می‌رسد می‌توان به کشورها در نپذیرفتن ماده ۴ کنوانسیون تبعیض نژادی حق داد، زیرا به‌سختی قابل تصور است که اشاعه صرف نظرهای مبتنی بر برتری نژادی، اثر مستقیمی بر بهره‌مندی از آزادی‌ها یا حقوق بشر داشته باشد و بنابراین، ممنوعیت آن با نظام حقوق بشر سازگار نیست. البته اشاعه نظرهای مبتنی بر تنفر نژادی نسبت به نظرهای مبتنی بر برتری نژادی، کمی متفاوت است؛ زیرا تنفر، یک بیزاری فعال است؛ یک نوع احساس بیزاری یا دشمنی که متضمن تمایل به صدمه زدن است. با وجود این، فقط در صورتی که این تمایل، عملی شود می‌توان اشاعه نظرهای مبتنی بر تنفر نژادی را یک تخلف محسوب کرد. در مجموع، غیر از اختلاف اساسی فوق، اختلاف چندان مهمی بین اسناد بین‌المللی متضمن ممنوعیت سخنان نفرت‌زا وجود ندارد و می‌توان گفت اسناد جهانی و منطقه‌ای، تعاریف بسیار مشابهی از این مفهوم ارائه داده‌اند.

۵. منابع

- [1] International Covenant on Civil and Political Rights, available at: www2.ohchr.org/English/law/ccpr.htm (last visited July 2010).
- [2] *Virginia v. Black et al.*, U.S. Supreme Court, 538 U. S. 343 (2003), available at: supreme.justia.com/us/538/343/ (last visited July 2010).
- [3] *Handyside v. the United Kingdom*, ECHR 1976, available at: www.echr.coe.int/echr (last visited July 2010).
- [4] Simons, Daniel, *Central Asian Pocketbook on Freedom of Expression*, London, ARTICLE 19, 2006.
- [5] Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, available at: www2.ohchr.org/english/law/genocide.htm (last visited July 2010).
- [6] Rome Statute of the International Criminal Court, available at: treaties.un.org/doc/Treaties/1998/07/19980717%2006-33%20PM/Ch_XVIII_10p.pdf (last



- visited July 2010).
- [7] Coliver, Sandra, *Striking a Balance: Hate Speech, Freedom of Expression and Non-discrimination*, London, ARTICLE 19, 1992.
- [8] Universal Declaration of Human Rights, available at: www.ohchr.org/en/udhr/pages/language.aspx?langid=eng (last visited July 2010).
- [9] Mendel, Toby, "Equality and Freedom of Expression: An Accommodative Framework", ARTICLE 19, 2008, available at: <http://www.article19.org/pdfs/other/equality-and-freedom-of-expression-an-accommodative-framework.pdf> (last visited July 2010).
- [10] [CCPR/C/58/D/550/1993](http://tb.ohchr.org/default.aspx), available at: tb.ohchr.org/default.aspx (last visited July 2010).
- [11] [CCPR/C/OP/2](http://www1.umn.edu/humanrts/undocs/html/117-1981.htm), Case of M.A. v. Italy, available at: www1.umn.edu/humanrts/undocs/html/117-1981.htm (last visited July 2010).
- [12] International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, available at: treaties.un.org/Pages/CTCTreaties.aspx?id=4&subid=A&lang=en (last visited July 2010).
- [13] American Convention on Human Rights, available at: www.hrcr.org/docs/American_Convention/oashr.html (last visited July 2010).
- [14] The European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms, available at: www.hri.org/docs/ECHR50.html (last visited July 2010).
- [15] *Lehideux and Isorni v. France*, ECHR 1998, available at: www.echr.coe.int/echr (last visited July 2010).
- [16] Recommendation No. R (97)20 of the Committee of Ministers to Member States on Hate Speech, Council of Europe, available at: [www.coe.int/t/dghl/standardsetting/media/doc/cm/rec\(1997\)020&expmem_EN.asp](http://www.coe.int/t/dghl/standardsetting/media/doc/cm/rec(1997)020&expmem_EN.asp) (last visited July 2010).
- [17] General Policy Recommendation No. 7 on National Legislation to Combat Racial and Racial Discrimination, European Commission against Racism and

- Intolerance (ECRI), available at: www.coe.int/t/dghl/monitoring/ecri/activities/GPR/EN/Recommendation_N7/ecri03-8%20recommendation%20nr%207.pdf (last visited July 2010).
- [18] Council Framework Decision 2008/913/JHA on Combating Certain Forms and Expressions of Racism and Xenophobia by means of Criminal Law, European Union, available at: eur-lex.europa.eu/LexUriServ/LexUriServ.do?uri=CELEX:32008F0913:EN:NOT (last visited July 2010).
- [19] African Charter on Human and Peoples' Rights, available at: www.hrcr.org/docs/Banjul/afrhr.html (last visited July 2010).
- [20] Joint Statement on Racism and the Media by the UN Special Rapporteur on Freedom of Opinion and Expression, the OSCE Representative on Freedom of the Media and the OAS Special Rapporteur on Freedom of Expression, 2001, available at: www.unhchr.ch/hurricane/hurricane.nsf/0/A7D61155293A8200C1256A02003CD849?opendocument (last visited July 2010).
- [21] *Jersild v. Denmark*, ECHR 1994, available at: www.echr.coe.int/echr (last visited July 2010).
- [22] *A/HRC/2/3*, available at: ap.ohchr.org/Documents/gmainec.aspx (last visited July 2010).
- [23] *Giniewski v. France*, ECHR 2006, available at: www.echr.coe.int/echr (last visited July 2010).
- [24] Temperman, Jeroen, "Blasphemy, Defamation of Religions and Human Rights Law", *Netherlands Quarterly of Human Rights*, vol. 26/4, 2008, 517-545.
- [25] A/57/18, available at: <http://www.universalhumanrightsindex.org/documents/824/686/document/en/text.html> (last visited July 2010).
- [26] Status of International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination, available at: treaties.un.org/Pages/CTCs.aspx (last visited July 2010).
- [27] General Recommendation XXXI on the Prevention of Racial Discrimination in



- the Administration and Functioning of the Criminal Justice System, CERD, 2005, available at: tb.ohchr.org/default.aspx (last visited July 2010).
- [28] A/45/18, available at: [www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/\(Symbol\)/A.45.18.En?Opendocument](http://www.unhcr.ch/tbs/doc.nsf/(Symbol)/A.45.18.En?Opendocument) (last visited July 2010).
- [29] CCPR/C/70/D/736/1997, available at: tb.ohchr.org/default.aspx (last visited July 2010).
- [30] *Catch the Fire Ministries Inc & Ors v. Islamic Council of Victoria Inc*, Supreme Court of Victoria, available at: [www.austlii.edu.au/cgi-bin/sinodisp/au/cases/vic/VSCA/2006/284.html?stem=0&synonyms=0&query="VSCA%20284"](http://www.austlii.edu.au/cgi-bin/sinodisp/au/cases/vic/VSCA/2006/284.html?stem=0&synonyms=0&query=) (last visited July 2010).
- [31] *Prosecutor v. Nahimana et al.*, ICTR, available at: www1.umn.edu/humanrts/instree/ICTR/BARAYAGWIZA ICTR-99-52/TRIAL_CHAMBER_Summary.html (last visited July 2010).
- [32] *Brandenburg v. Ohio*, U.S. Supreme Court, 395 U.S. 444 (1969), available at: supreme.justia.com/us/395/444/case.html (last visited July 2010).
- [33] General comment no. 11 (Article 20), HRC, 1983, available at: tb.ohchr.org/default.aspx (last visited July 2010).
- [34] Status of International Covenant on Civil and Political Rights, available at: treaties.un.org/Pages/CTCs.aspx (last visited July 2010).